

دکتر سروش و موضوع "لعن": تکمله ای بر نقدی که در رابطه با نظر دکتر سروش در خصوص موضوع "لعن" در میان شیعیان نوشتم

حسن انصاری

به دلیل اینکه چند نفری در رابطه با آن یادداشت توضیح بیشتری را طلب می کردند اینجا این چند سطر را اضافه می کنم: همانطور که در آن یادداشت نوشتم موضوع براء و ولاء از ویژگی های مهم اعتقادی و ایمانی برای فرقه های نوظهور کلامی و مذهبی در دو سه سده آغازین اسلامی بود و خوارج و معتزله و شیعه و عثمانیه و اسلاف اهل سنت همه در این موضوع و در خصوص فتنه اول و اختلافات میان صحابه مواضع متفاوت داشتند و هر یک به نوعی به ولاء و براء معتقد بود. بعدها البته اهل سنت بعد از اینکه موضوع قبول خلافت چهار خلیفه اول را داخل در بندهای اصلی ایمانی خود کردند در گام بعدی با عنوان کردن عدالت همه صحابه این عقیده و موضع را ابراز کردند که در بحث فتنه واقع میان صحابه باید همه آنان را مجتهدانی مصیب قلمداد کرد و بدین وسیله راه را برای انتقاد از مقام صحابه و یا طعن بر رفتار آنان بست. این موضع گرچه در میان اشاعره و ماتریدیه موضعی عمومی و مقبول است اما می دانیم که تنها شیعیان به این موضع انتقاد نداشتند. خوارج و معتزله هم این دیدگاه را نمی پذیرفتند. از دیدگاه معتزله برخی از صحابه دچار خطا و یا گناه شده بودند و رفتارشان موجب انتقاد است و نمی توان تنها آن رفتارها را در ذیل عنوان کلی اجتهاد تبریر کرد. در این چارچوب آنان از خطا در اجتهاد و یا حتی گناه مستوجب توبه و توبه کردن و یا نکردن شماری از صحابه سخن می راندند. شیعه اعم از امامیه و زیدیه در همین چارچوب به رفتار شماری از صحابه انتقاد داشتند و اساسا سکوت در برابر رفتارهای شماری از آنان در جریان فتنه و یا اختلافاتی که منجر به فتنه اول شد را غیر قابل قبول می دانستند. در این فضا شیعه نیز مانند خوارج و برخی دیگر از مذاهب در چارچوب ادبیات ولاء و براء که آن را شرط لازم ایمان می دانستند از ادبیات "لعن" استفاده می کردند. لعن در این چارچوب البته به معنی ناسزا و توهین و زبان به زشت گویی باز کردن نبود. صرفا تعبیری بود برگرفته از ادبیات قرآنی برای اظهار براءت. چنانکه قبلا هم نوشته ام تعابیر "لعن" در زیارت عاشوراء که متنی بسیار کهن از سده دوم قمری است را می بایست در این چارچوب دید و فهمید.

چنانکه گفتم موضوع ولاء و براء مطلقا مخصوص شیعه نبود و نیست و دیگران مانند معتزله و خوارج و برخی دیگر آن را مطرح می کردند. می دانیم که امروزه به ویژه در فرقه وهابیت این موضوع از اساسی ترین موضوعات اعتقادی است. در حالی که از قدیم شماری از مذاهب و فرق کلامی و مذهبی در همین چارچوب حتی موضوع تکفیر و یا تفسیق را پیش می کشیدند مکتب شیعه در موضوع تکفیر موضعی بسیار سختگیرانه دارد و تکفیر و تفسیق شخص مسلمان را الا

در موارد بسیار خاص نمی پذیرد و رد می کند (بنگرید به کتاب تکفیر، تقریرات دانشمند محمد رضا انصاری قمی از دروس خارج فقه فقیه برجسته آیه الله وحید خراسانی). عملاً هم در تاریخ اسلامی برخلاف شیعیان که در بسیاری از نزاع های سیاسی قربانی تکفیر مفتیان مخالف قرار می گرفتند علمای شیعه سابقه نداشته است که از این حربه در نزاع های سیاسی و جنگ های حکومت های شیعی در برابر مخالفان استفاده کنند.

حلقه کاتبان - جمعه ۷ تیر ۱۳۹۸ ساعت ۹:۱۴